

ما يتعلق بالموتى:

پرسش‌های مربوط به اموات

س ۸۸ / اني ابن الشهيد الشيخ مهدي السماوي، الذي تم اعتقاله من قبل النظام الصدامي الكافر مع الشهيد السيد محمد باقر الصدر (رحمه الله)، ولم تسلّم لنا جثة الشهيد، ووصلتنا معلومة عن طريق أهل الخير أنّ جثمان الشهيد موجودة في مقبرة الحضير في السماوة ولا أدري ما هو تكليفي الشرعي، علماً أنّ الدفن غير شرعي ولسنا على يقين أنه جثمان للشهيد أم لا، مجرد قول فقط.

پرسش ۸۸:

من فرزند شهید شیخ مهدی سماوی هستم که توسط نظام صدامی کافر همراه شهید سید محمدباقر صدر (رحمه الله) زندانی شده بود. جسد پدر شهیدم به ما تحویل داده نشد، اما از طریق اهل خیر به ما خبر رسید که جسد پدر شهیدم در «مقبرة الحضيری» در سماوه است و نمی‌دانم تکلیف شرعی ام چیست؟ با توجه به اینکه می‌دانم تدفین ایشان شرعی نبوده و ما یقین نداریم که آیا این جسد، جسد پدر شهیدم هست یا نه؟ بلکه تنها یک خبر است.

ج / إذا كان مجرد قول لا يعوّل عليه فيترك، أما إن كانت شهادة يمكن الاطمئنان لها فيمكن اعتبار المكان قبراً له (رحمه الله)، ويمكن زيارته فيه، أما إن أردتم التأكد أنه جثمانه فيمكن نبشه وأخذ عينة لفحص الـ DNA والتأكد، وإذا تم نبشه للتأكد منه فيمكنكم عندها نقله ودفنه بصورة صحيحة. وبالنسبة لفحص الـ DNA فيمكن أن يتحمّل بيت المال تكاليفه إن لم يمكنكم ذلك.

پاسخ:

اگر تنها یک گفته (خبر) است به آن اعتماد نشده، رها می‌شود، اما اگر شهادت و گواهی محسوب می‌شود می‌توان به آن اعتماد کرد و آن مکان را قبر او (خدایش بیمارزد) به حساب آورد و به زیارت او در آن قبر رفت؛ اما اگر می‌خواهی مطمئن شوی که آن جسد، جسد پدرتان است می‌توانید نبش قبر کنید و برای آزمایش DNA و حصول اطمینان، نمونه‌برداری کنید. در صورتی که برای مطمئن شدن نبش قبر کردید، می‌توانید آن جسد را جابه‌جا کرده، به صورت صحیح دفن کنید. اگر از عهده مخرج آزمایش DNA بر نمی‌آید بیت‌المال می‌تواند مخرج آن را تقبل کند.

س ۸۹ / إذا مات شخص في الخارج، فهل يدفن في الخارج أم يجب نقله إلى البلاد الإسلامية حتى يدفن بها؟
پرسش ۸۹:

اگر کسی در خارج فوت کند آیا در خارج دفن می‌شود یا واجب است او را به کشورهای اسلامی منتقل کرد تا در آنجا دفن شود؟

ج/ ينقل أفضل إن كان نقله ممكناً.

پاسخ:

اگر منتقل کردنش ممکن باشد، بهتر است چنین شود.

س ۹۰ / الأراضي التي جرفت في زمان صدام (لعنه الله) كانت مزارع وقد وزعت على شكل أراضي من قبل الحكومة وأن أصحابها الآن لا يطالبون بها وقد بُنيت بها البيوت، فهل يجوز السكن بها، وهل يجوز أن أدخل في مثل هذه البيوت وأصلي بها، وبعض هذه الأراضي أصبحت طرقاتاً فهل يجوز الاجتياز بها والمرور بها؟

پرسش ۹۰:

زمین‌های مزروعی که در زمان صدام غصب و در قالب زمین‌های دولتی تقسیم شد و صاحبانشان اکنون آن‌ها را نمی‌خواهند و خانه‌هایی در آن‌ها ساخته شده است؛ آیا سکونت در آن‌ها جایز است؟ آیا جایز است در چنین خانه‌هایی وارد شوم و در آن‌ها نماز بخوانم؟ برخی از این زمین‌ها تبدیل به جاده شده، آیا عبور از آن‌ها جایز است؟

ج/ إذا كان أصحابها معرضين عنها كما هو الظاهر من السؤال فلا إشكال فيها، ويجوز السكن فيها والمرور فيها.

پاسخ:

اگر صاحبانشان این زمین‌ها را نمی‌خواهند که از ظاهر سؤال شما چنین برمی‌آید- اشکالی ندارد و سکونت در آن و عبور از آن‌ها جایز است.

س ۹۱ / هل يجوز إشراك أكثر من ميّت في الأضحية، وإذا يجوز فهل من الممكن تعديل نية الذبح وإشراك آخرين في الأضحية؟

پرسش ۹۱:

آیا شریک کردن چند میت در یک قربانی جایز است؟ و اگر جایز است آیا می‌توان نیت ذبح را تغییر داد و دیگران را در قربانی شریک کرد؟

ج/ المعز والضأن تجزي عن شخص واحد، أما البقر فتجزي عن سبعة أشخاص. ويجوز تعديل نية الذبح وإشراك آخرين قبل الذبح أو النحر على أن لا يتجاوز العدد ما بيّنته.

پاسخ:

بز و گوسفند برای یک نفر و گاو برای هفت نفر کفایت می‌کند. پیش از ذبح و نحر کردن تغییر دادن نیت ذبح و شریک کردن دیگران به شرط اینکه از تعدادی که بیان کردم تجاوز نکند. جایز است.